

هویت ایرانی در کتاب‌های درسی تاریخ «مطالعه موردی: دوره قاجار تا پایان حکومت رضاشاه»

دکتر محمدرضا عسکرانی*

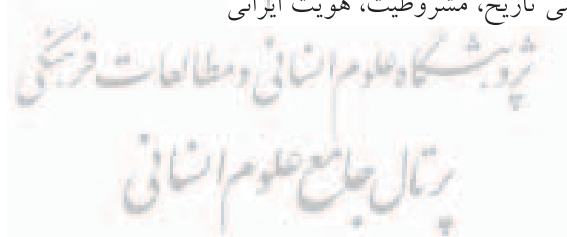
چکیده

نوین‌گرایی آموزشی از جنبه‌های کوشش ایرانیان برای رسیدن به وحدت ملی شمرده می‌شود. این تکاپوها که اندکی پیش از مشروطه آغاز شد، برای شالوده‌ریزی جامعه‌ای مبتنی بر «هویت ایرانی» بود و آشنایی با تاریخ ایران را زمینه‌ساز رسیدن به وحدت ملی قلمداد می‌کرد.

هدف این نوشتار، بازشناسی مفهوم هویت ایرانی در شماری از کتاب‌های درسی تاریخ بوده است. این آثار از آغاز تا پایان دوره رضاشاه بررسی شده‌اند. پژوهشگر همچنین کوشیده است تا با مطالعه روندی (trend study) چگونگی تکوین کتاب‌های درسی تاریخ و بازتاب مفهوم هویت ایرانی در آنها را توصیف تاریخی نماید. این بررسی نشان داد که درس تاریخ سهم والایی را در تعلیم مفهوم هویت ایرانی به دانش‌آموختگان داشته است.

واژه‌های کلیدی

تعلیم و تربیت، کتاب‌های درسی تاریخ، مشروطیت، هویت ایرانی



مقدمه

آموزش تاریخ به نوباوگان و جوانان، راهکار مناسبی برای آشنایی آنان با هویت ملی آنهاست. به همین جهت، کتابهای درسی به مثابه ابزاری برای ایجاد وحدت ملی در آستانه دوران مشروطیت توسط نوگرایان به کار گرفته شد. متفکران بسیاری با انگیزه حفظ هویت ایرانی به نوشتن کتاب‌های درسی تاریخ مبادرت ورزیدند. بیشتر این آثار با رویکرد به دوران باستان - که نماد استقلال و اقتدار ایرانیان به حساب می‌آمد- به رشته تحریر درآمده‌اند و همسو با تغییرات سیاسی و هماهنگ با تعلیمات رسمی، راه تکامل را پیموده‌اند.

کتابهای درسی تاریخ، از آن رو بخشی از اسناد گرانبهای ملی ایران است که کوشش نسلی را نشان می‌دهد که همه توش و توانش را به کار گرفت تا در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی، هویت فرهنگی و تاریخی متعادلی را برای نونهالان و آینده‌سازان این سرزمین تبیین و بازآفرینی کند. با وجود این، همچنان جای بررسی همه‌جانبه‌ای بر روی چگونگی تکوین کتابهای درسی تاریخ خالی است و اثری پیرامون روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران منتشر نشده است.

تحلیل محتوایی و بررسی تطبیقی این کتابها، هرچند بخشی از ظرفیتهای درس تاریخ را روشن خواهد ساخت؛ لیکن داستان درازدامنی است که در این نوشته کوتاه نمی‌گنجد. این حقیقت هم که مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان چگونه برای ایجاد دگرگونی در مبانی تربیتی جامعه پای فشردند، موضوع این نوشتار نیست؛ بلکه هدف نشان دادن تأثیرات اصلاح‌گرایی آموزشی بر زنده‌سازی هویت ایرانی است که بویژه در کتابهای درسی تاریخ جلوه‌گر شد.

مفهوم هویت و نقش هویت قومی و ملی در ساختار

جوامع

کتابهای درسی تاریخ ابتدایی و متوسطه مورد بررسی، در دوره هویت‌یابی نوجوانان مورد استفاده بوده‌اند و به همین دلیل، بیشترین تأثیر را در شکل بخشیدن به شخصیت آنان داشته‌اند.

نوجوانی دورانی است که قوای زیستی، فکری و عاطفی فرد شکل می‌گیرد و با دست‌یابی به تعریف منسجمی از «خود»، مهمترین جنبه رشد روانی - اجتماعی فرد تحقق می‌یابد. نوجوانان می‌خواهند ارزشهای شخصی و مسیرهایی را که در زندگی دنبال خواهند کرد، بفهمند و بدانند، کیستند. اریکسون (۱۹۵۰-۱۹۶۰م). نخستین روان‌شناسی بود که «هویت» را به عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و خشنود، تشخیص داد (رایس، ۱۳۸۷: ۲۵۲). ایجاد هویت به معنای آن است که فرد بداند کیست؟ چه چیزهایی برای او ارزش به حساب می‌آید و چه راه‌هایی را برگزیده است تا در زندگی دنبال کند. هویت تنها به «من» محدود نمی‌شود؛ بلکه دارای بُعد اجتماعی و اشتراکی است و «مایه‌ی درون‌گروه‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. پرداختن به مقوله هویت اجتماعی هم از مؤلفه‌هایی است که در مراحل آغازین فرآیند رشد نوجوانی صورت می‌گیرد (دالکی، ۱۳۸۴: ۲۹۶) و در این دوره احساس تعلق فرهنگی فرد نیز اصلاح می‌شود.

«هویت ملی» مفهومی تازه و نوین بود که با پدیدار شدن «دولت‌های ملی» در اروپا شکل گرفت و سپس از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و جاهای دیگر راه یافت. در این دوره، اگر چه بیشتر نژاد، سرزمین، و فرهنگ را پایه و مایه پیدایش هویت یک ملت به حساب آورده‌اند؛ لیکن این عوامل و مواردی مانند دین،

ای از ده‌ها عنصر مادی و معنوی است که در فراز و نشیب تاریخ چند هزار ساله شکل گرفته و آبدیده شده است. وحدت یک ملت بر پایه تاریخ مشترک آنها استوار است و عناصر تشکیل دهنده «هویت تاریخی» ایران‌زمین، پیوسته جاذب جنبه‌های تازه‌ای از فرهنگ و تمدن بشری بوده و به همین دلیل در سیمای ملت ایران همچنان پایدار است.

«جغرافیای ایران» مهد پرورش فرهنگ ایرانی، اگر چه بارها دستخوش تغییر شده؛ لیکن آنچه امروزه به نام کشور ایران شناخته می‌شود، میراث‌دار بسیاری از اجزای هویت ایرانی شمرده می‌شود. موقعیت این سرزمین موجب گردیده تا مردمانش پیوسته دو نقش سازنده را در طول تاریخ بر عهده گیرند. ایرانیان از سویی در طی هزاران سال پل ارتباطی شرق و غرب بوده‌اند و به یاری ذوق و خلاقیتشان، عناصر دریافتی از فرهنگ‌های دیگر را توسعه بخشیده و پربارتر از پیش به بشریت تقدیم داشته‌اند و از سوی دیگر، با مقاومت در برابر یورش‌های سهمناک، مرزبان دنیای متمدن گردیده و از این راه نیز به تمدن امروزی خدمت کرده‌اند؛ بنابراین، مفهوم هویت ایرانی مفهومی سیال و پویاست که اصلی‌ترین عنصر سازنده آن تفکر تاریخی مردمی است که در طی هزاران سال با هم زیسته و خود را ایرانی شمرده‌اند.

«زبان فارسی» نیز اگر چه در دوره‌های مختلف به مثابه یکی از پایه‌های استقلال فرهنگی ایرانیان عمل کرده است (امیر احمدیان، ۱۳۸۶: ۹)؛ لیکن امروزه برخی از کشورهای مستقل همسایه هم با همین زبان گفت‌وگو می‌کنند و درون کشور ایران نیز زبان‌ها و گویش‌های مختلفی رایج است. بنابراین، چنانچه زبان فارسی به عنوان یکی از اجزای مهم هویت ایرانی شمرده شود، بیشتر تأثیر امروزین آن در پیوند میان

زبان، اقتصاد و غیره نیز هیچ کدام ملاک قطعی تعریف یا تشخیص یک ملت و هویت ملی‌شان نیست (ولایتی، ۱۳۸۵: ۳).

از سویی، جوامع پیوسته به داشتن «هویت قومی» احساس نیاز کرده‌اند؛ زیرا پابندی به قوم و تبار، گونه‌ای احساس تعلق را در فرد ایجاد می‌کند. این در حالی است که این قبیل دلبستگی‌ها در جوامعی که دارای تنوع قومی هستند، دشواری‌هایی را برای برپایی حکومت‌های ملی ایجاد می‌کند؛ زیرا هر فردی با هویت قومی خود رشد می‌کند (هویت گروه اقلیت)، در حالی که باید خود را با محیط اطراف خویش نیز سازگار کند (هویت گروه اکثریت). در این صورت، برای رسیدن به وحدت ملی، افراد گروه‌های قومی باید هر دو فرهنگ قومی و ملی را در خود درونی کنند و گروه اکثریت نیز باید حرمت فرهنگ‌های اقلیت را نگه‌دارند (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

گذار از مرحله «هویت قومی» به «هویت ملی» چالشی بود که اصلاح‌طلبان دوران مشروطه با آن روبه‌رو شدند. ایشان باور داشتند که پیشینه مشترک و حضور یگانه قوم ایرانی در فراز و نشیب روزگاران، شالوده استواری برای حفظ هویت ملی‌شان است. بهره‌گیری از «هویت تاریخی» با رنگ و بوی «ایرانی» راهبردی بود که نوگرایان برای برپایی دولت ملی اندیشیدند و ترویج آن را نیز از نوجوانان آغاز کردند.

مفهوم هویت ایرانی

سرزمین ایران کهنترین تمدن‌های بشری را در خود پروراند و «نژاد آریایی» پایه‌گذار تمدنی بوده است که در تعامل با فرهنگ‌های دیگر شکل گرفته و راه تکامل پیموده است.

«هویت ایرانی» به پندار نویسنده این نوشتار، آمیزه-

اقوام ایرانی و نقش این زبان در اتصال بین گذشته و حال مورد نظر است.

موج نوگرایی و اصلاح‌طلبی در دوران قاجار سرآغاز اقداماتی برای رسیدن به دولت ملی بود که سرانجام به بروز مشروطه انجامید. یکی از ثمرات این جنبش، تقویت «ایران خواهی» و افتخار به گذشته ایران، به عنوان «وطن تاریخی» است که در سرتاسر شعر و ادبیات مشروطه نیز به چشم می‌آید (آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۲۸)؛ بنابراین، میان تفکر تاریخی دربارهٔ هویت ایرانی با آنچه در نگاه متفکران معاصر از هویت ایرانی وجود دارد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد که به شرایط تاریخی هر دوره بازمی‌گردد. ملیت در مفهوم نوین آن، محصول عصر جدید و به‌خصوص دوران روشنگری است؛ اما مفهوم هویت قومی برخاسته از ویژگی‌ها و شیوهٔ زندگی افرادی است که برداشت‌ها و احساسات مشترکی دربارهٔ نمادها، ارزش‌ها و تاریخشان دارند و خود را به‌عنوان یک گروه (قوم) مشخص معرفی می‌کنند. چنین برداشتی از قرن‌ها پیش در میان تمدن‌های قدیم از آتن و اسپارت گرفته تا ماد و هخامنشی و مصر باستان مطرح بوده است. در این نوشتار، مفهوم هویت ایرانی از نگاه نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ مدنظر قرار می‌گیرد که در متن آثارشان در قالب چهار عنصر زبان، ملیت، جغرافیا و تاریخ نمود بیشتری یافته و با مفاهیم امروزی قابل مقایسه است.

تاریخ‌نگاری دوره قاجار و هویت ایرانی

تاریخ‌نویسی در ابتدای دورهٔ قاجار، همان تقلید شیوهٔ مورخان پیشین بود. در دورهٔ ناصرالدین‌شاه گونه‌ای نهضت ترجمه در ایران رواج یافت و برخی از آثار اروپاییان به فارسی ترجمه شد که زمینه را برای نفوذ روش‌های تاریخ‌نگاری جدید غربی فراهم کرد. برخی

از تحصیل‌کردگان ایرانی در غرب نیز این شیوه‌ها را به‌کار گرفتند. «درالتیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان» (تاریخ اشکانیان) تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه را باید نمونه‌ای از کوشش مورخان ایرانی برای استفاده از شیوهٔ محققان اروپایی دانست که به‌زودی مورد تقلید قرار گرفت (نیک بین، ۱۳۴۷: ۴). اینک به سه کتاب که گمان می‌رود در مواردی کاربرد آموزشی یافته‌اند، اشاره می‌شود. ویژگی هر سه اثر تأکید فراوانی است که بر هویت ایرانی دارند:

نامه خسروان - یکی از دانش‌آموختگان دارالفنون، جلال‌الدین فرهاد میرزا قاجار بود که دلبستگی زیادی به هویت ایرانی داشت. وی انگیزه‌اش برای نوشتن کتاب «نامه خسروان» را چنین شرح می‌دهد:

«این بنده چندی در این دبستان [دارالفنون] به آموختن زبان فرانسه - که شیرین‌ترین زبان فرنگستان است و کلید هر دانشی است - پرداخت و چندین نامه [کتاب تاریخ] خواند. روزی در این اندیشه افتاد که از چیست ما ایرانیان زبان نیاکان خویش را فراموش کرده‌ایم و با این که پارسیان در نامه سرایی... افسانه‌اند، نامه‌ای در دست نداریم که به پارسی نگاشته شده باشد؟ اندکی بر نابودی زبان ایرانیان دریغ خوردم و پس از این خواستم آغاز نامه‌ی پارسی کنم. سزاوارتر از داستان پادشاهان پارس نیافتم. از این روی، این نگارش را نامه خسروان نام نهادم...» (جلال‌الدین میرزا قاجار، ۱۸۶۷/م ۱۲۸۴ق: دیباچه).

پرداختن به موضوع تاریخ ایران باستان، آن هم به فارسی سره «که سودمند مردمان به ویژه کودکان» باشد، برآیندی از افکار ملی‌گرایانه‌ای بود که این زمان در میان روشنفکران جا باز می‌کرد. **نامه خسروان** در سال ۱۸۶۷م. / ۱۲۸۵ق. در بمبئی به‌چاپ رسید و بارها در ایران و هندوستان تجدید چاپ شد. از این مقدمه

دارالفنون آغاز شد و نخستین کتاب درسی را «ژول ریشار» درباره زندگی ناپلئون نوشت (۱۶/ص ۱۵۴-۱۵۶)؛ لیکن به نظر می‌رسد آغاز تاریخ‌نویسی درسی برنامه‌ریزی شده و اصولی را باید چند دهه دیرتر و مقارن سلطنت مظفرالدین شاه دانست. ریشار خان فرانسوی اگر چه از اولین معلمان دارالفنون است؛ ولی تخصص وی تسلط به زبان‌های مختلف و آشنایی با جغرافیا، نجوم، فیزیک، شیمی، حساب، عکاسی، سفید کردن پنبه و شکر، رنگ کردن چوب و روغن زدن چرم و صاف کردن شیشه بود که ربطی به تاریخ ندارد. وی صنعت عکاسی را در زمان محمد شاه به ایران آورد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۳۵۶ و ۳۵۹). از طرفی «تاریخ زندگی ناپلئون» جلد دوم از کتاب «تاریخ مفصل فرانسه تا زمان ناپلئون» است که برای مطالعه ناصرالدین شاه ترجمه و با انشای میرزا شفیع منشی و خط خوش رضاقلی تاریخ نویس تحریر یافته است (همان، ۳۷۶). به نظر می‌رسد، برای پذیرش این که از نسخه خطی یاد شده برای تدریس در دارالفنون استفاده می‌شده، شواهد دیگری هم لازم است، به‌ویژه آن که تنها حجم جلد دوم کتاب که باقی مانده، ۴۶۰ صفحه‌ی وزیر است و اگر جلد اول را نیز در همین حدود حدس بزنیم، بعید به نظر می‌رسد که از کتابی با این حجم برای تدریس در مدرسه‌ای استفاده شده باشد که برای آموزش فنون نظامی و پزشکی و علوم مهندسی تأسیس گردیده و تاریخ در آن درس فرعی به حساب می‌آمده است. از همه این‌ها گذشته، نگارش کتاب در جمادی الاول ۱۲۶۶ به پایان رسیده، در حالی که ساختمان قسمت شرقی دارالفنون تازه اواخر سال ۱۲۶۷ ق. به پایان رسید. طرفه این که ریشارخان تا ربیع الاول ۱۲۶۷ هنوز به استخدام دولت ایران در نیامده بود که همین مسأله ترجمه این اثر توسط وی را نیز با

می‌شود حدس زد، که کتاب‌های تاریخی مورد استفاده در دارالفنون به زبان‌های بیگانه بوده و چه‌بسا بیشتر برای آموزش زبان به کار می‌رفته‌اند.

آیینة سکندری - میرزا آقاخان کرمانی به دلیل داشتن افکار آزادی‌خواهانه در تاریخ معاصر ایران شهرت دارد. کتاب **آیینة سکندری** وی نیز جزو نخستین آثار تاریخی است که تأثیرات تاریخ‌نگاری اروپایی در آن جلوه‌گر شد (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۸۹). میرزا آقاخان در مقدمه این اثر می‌نویسد:

«ملتی که تاریخ گذشتگان و اسباب ترقی و تنزل خود را نداند، کودکی را ماند که پدر و نیاکان خود را نشناسد...دیگر چه حُب افتخار و شرف، چه آرزوی ترقی و پیشرفت در آن گروه پدید خواهد آمد؟...» (میرزا آقا خان کرمانی، ۱۳۱۴ق: ۱۲).

تاریخ سلاطین ساسانی - این کتاب در اولین سال پادشاهی مظفرالدین‌شاه به چاپ رسید و توجه بسیاری را به تاریخ ایران باستان جلب کرد. این اثر را محمدحسین فروغی از بخش ساسانیان کتاب «پادشاهی‌های بزرگ دنیای قدیم» نوشته «جرج رالینسون» ترجمه نمود که به سهم خود در معرفی و ترویج هویت ایرانی مؤثر افتاد. فروغی شاعری توانا و نویسنده‌ای چیره‌دست بود که اولین روزنامه غیردولتی داخلی را با عنوان «تربیت» به چاپ رساند و مدرسه‌ای را هم به همین نام پایه‌گذاری کرد. نقش محمدحسین فروغی در توسعه تعلیم و تربیت نوین را نمی‌توان از نظر دور داشت. وی مدتی بعد ویرایش کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد اول] تاریخ ایران» نوشته فرزندش محمدعلی فروغی را هم به عهده گرفت (فروغی، ۱۳۲۳ق: مقدمه).

نخستین کتاب درسی تاریخ

به نوشته یکی از محققان، تاریخ‌نویسی درسی با تأسیس

تردید روبه‌رو می‌کند. به هر حال، شاید در مطبوعه‌ای که جزو تشکیلات دارالفنون قرار گرفت، بعدها بخش‌هایی از همین کتاب به چاپ رسیده و چه‌بسا در امر تدریس هم مورد استفاده قرار گرفته باشد؛ ولی چنین کتاب‌هایی دارای مشخصات کتاب‌های درسی نیستند.

کتابهای درسی تاریخ در نظام تعلیم و تربیت نوین ایران

یکی از اهداف انجمن‌های سیاسی که در آستانه بروز مشروطه شکل گرفتند، تأثیرگذاری بر روند تعلیم و تربیت بود. برای نمونه تشکیل انجمن معارف را می‌توان یکی از این تلاش‌ها به‌شمار آورد. اعضای انجمن معارف افزون بر سامان‌دهی مدارس و تأسیس کتاب‌خانه عمومی، به فکر تهیه و توزیع کتاب‌های درسی هم افتادند. نخستین تکاپوی آنان برای تدوین کتاب‌های درسی، کوشش برای تهیه یک دوره تاریخ ایران بود که از روی مستندات علمی نوشته شده باشد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۲۰۲).

تا پیش از اقدام انجمن معارف برای نگارش کتاب درسی تاریخ، نشانه‌ای از کتاب دیگری که برای پایه معین و با هدف آموزشی مشخص تألیف شده باشد، در دست نیست. مهمترین ویژگی کتاب درسی، مشخص بودن مخاطب آن است و چنین ویژگی برای اولین بار در کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم» [جلد اول] تاریخ ایران» نوشته محمدعلی فروغی مشاهده می‌شود. نویسنده به پیشگامی خود در این زمینه آگاهی دارد و در مقدمه با آوردن عبارت «مدارس ما از این پس در علم تاریخ کتاب درس و تدریس خواهند داشت» بر خود می‌بالد. شواهد دیگر نیز این ادعا را تأیید می‌کند.

در ادامه کتاب‌هایی که برای تدریس تاریخ در

مراکز آموزشی نوشته شده‌اند و در این نوشتار مورد استناد قرار گرفته‌اند، به کوتاهی بررسی می‌گردد:

دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد اول] تاریخ ایران- این کتاب که به‌نظر می‌رسد اولین کتاب برنامه‌ریزی شده درسی تاریخ باشد، در سال‌های بعد از مشروطه توسط نویسنده برای استفاده در دوره ابتدایی ساده‌سازی و خلاصه گردید و با عنوان «تاریخ مختصر ایران» بارها تجدید چاپ شد. اثر اخیر سال‌های متمادی کتاب درسی دانش آموزان بود و سرمشق بسیاری از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ قرار گرفت.

محمدعلی فروغی از عنفوان جوانی مقالاتی را در روزنامه تربیت منتشر می‌کرد. وی به سرعت بر فعالیت‌های فرهنگی‌اش افزود و با آنکه سن و سال چندانی نداشت، مدیریت «مدرسه سیاسی» را به‌عهده گرفت. تاریخ یکی از مهمترین منابع درسی این مدرسه به‌شمار می‌رفت. مدرسه سیاسی نخستین مرکز آموزشی ایران است که درس تاریخ به‌صورت مستقل در آن ارائه گردیده و در برنامه امتحاناتش قرار داشت. فروغی پس از برکناری محمدعلی‌شاه به عنوان نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت و در ۳۵ سالگی به ریاست مجلس رسید. وی طی سال‌های بعد، بارها به عنوان رئیس دیوان عالی، سفیر، وزیر وزارت‌خانه‌های مختلف و نخست‌وزیر برگزیده شد و به همان نسبت که از جنجالی‌ترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود، از لحاظ فرهنگی هم شهرت دارد. کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم؛ جلد اول: تاریخ ایران» را که برای تدریس در «مدرسه سیاسی» تهیه کرد، بعدها در مقیاسی گسترده در مدارس مورد استفاده قرار گرفت. مهمترین ویژگی کتاب رویکردی است که به «هویت ایرانی» دارد. در آغاز اثر

را در ۲۵۵ صفحه برای دانش آموزان مدارس ابتدایی و کلاس اول مدارس علمی (متوسطه) تهیه کرد. برخلاف چاپ اول که رویدادها را تا زمان ناصرالدین شاه در بر دارد، در چاپ دوم وقایع دوران مشروطیت نیز افزوده شده و کتاب دارای تصاویر و نقشه‌های بیشتری است.

تاریخ مختصر ایران - میرزا سیدعلی‌خان، معلم مدرسه سیاسی این کتاب را با حجم ۲۳۰ صفحه منتشر کرد. زبان نوشتار ساده و شیوه نویسنده روایی بوده و کمتر به تحلیل رویدادها توجه کرده است. وی ۲۰ صفحه اول کتابش را به جغرافیای ایران اختصاص داده و ۴۴ شکل و ۸ نقشه در آن گنجانده است.

تاریخ عمومی - میرزا حسین‌خان، از دیپلمه‌های فارغ‌التحصیل مدرسه علوم سیاسی این اثر را برای کلاس عالی مدارس مقدماتی ترجمه و تألیف کرده است. نویسنده دارای مدال طلای علمی از وزارت معارف بوده، مطالب کتابش را که شامل: تاریخ ایران، تمدن‌های باستانی و اروپاست، به صورت تطبیقی مرتب کرده و در ۲۲۴ صفحه منتشر نموده است.

دوره دوم تاریخ ایران - محمدعلی فروغی با تغییراتی در نوشته‌های قبلی خود و با حذف تمدن‌های باستانی، این کتاب را در ۲۱۶ صفحه و در دو قسمت تنظیم کرد. قسمت اول شامل جغرافیا و تاریخ ایران بالستان و قسمت دوم تاریخ اسلام و ایران اسلامی تا دوره قاجار است. در پایان هم مطالبی در لزوم بیداری ایرانیان و کسب دانش را همراه فهرست سلسله‌ها آورده است.

تاریخ مختصر ایران (اقبال) - نویسنده که در روی جلد به صورت: «جناب مستطاب آقای مترجم السلطنه زرین قلم، معلم تاریخ مدرسه مبارکه دارالفنون» معرفی شده، کتاب را برای سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی در ۶۴ صفحه تألیف کرده است. کتاب با مقدمه‌ای

بر این ویژگی چنین تأکید رفته است:

«...تکلیف و قصد ما نگارش یک دوره ابتدایی از تاریخ عالم است و طبیعی آن که از ملل قدیمه مشرق شروع نماییم و تاریخ ایران را پیش اندازیم و نخست این کار کردنی را بپردازیم؛ زیرا که ایرانی‌های قدیم ما یکی از ارکان معتبر ملل مذکوره بوده‌اند و به شاهگاه‌های بزرگ خود را در عالم معرفی و معروف نموده و فرضاً که ما در این مورد رعایت وطن عزیز خویش را کرده باشیم، گناهی نکرده‌ایم؛... [زیرا] حُب وطن از ایمان است و بی ایمان نسناسی به صورت انسان... و کتابی که می‌نویسیم سرگذشت مهان این سامان» (فروغی، ۱۳۲۳: ۷).

تحقیقی و مستند بودن، پرداختن به فلسفه تاریخ و تاریخ اجتماعی، افزودن توضیحات جغرافیایی برای فهم بهتر مطالب، در نظر گرفتن ویژگی‌های فراگیران و گنجاندن مطالبی که نوجوانان را با هویت ایرانی‌شان آشنا می‌کند، از مشخصات بارز این کتاب است. تهیه کنندگان این اثر به اهمیت کارشان آگاه بودند و به پیشگامی خویش مباهات می‌کردند. محمدحسین فروغی در مقدمه می‌نویسد:

«...سعادت بنده و بنده‌زاده در آن است که نماینده این راهیم و پیش‌قراول سپاهی کاروان و آگاه که پس از ما می‌آیند و فتوحات ماضیه را کامل می‌نمایند...» (همان، ۴۵۷).

درباره کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم» [جلد اول] **تاریخ ایران** و نویسنده‌اش به دلیل اهمیتی که در تاریخ‌نگاری درسی ایران داشت، شرح بیشتری داده شد؛ ولی از آنجا که هدف اصلی این نوشتار، رهگیری هویت ایرانی در کتاب‌های درسی تاریخ است، سایر آثار مورد استناد بیشتر بررسی می‌گردد:

دوره مختصر تاریخ ایران - محمدعلی فروغی آن

انقراض ساسانیان» در سال ۱۳۰۸ ش. به زیر چاپ رفت و تا تیرماه ۱۳۱۰ دو بار دیگر تجدید چاپ شد.

کتاب درسی «ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان» جامعترین کتابی بود که تاریخ ایران باستان را از روزگار قبل از ورود آریایی‌ها تا پایان دوره ساسانی بررسی می‌کرد و دارای ارزش علمی بالایی هم بود. نویسنده در این اثر لحن بی‌طرفانه‌ای دارد و فتوحات و دستاوردهای تمدنی ایرانیان را بزرگ‌نمایی نکرده است؛ ولی جذابیت مطالب مربوط به تمدن و فرهنگ ایران باستان به گونه‌ای است که حس علاقه به هویت ایرانی را در خواننده برمی‌انگیزد. همین کتاب در آینده پایه و مایه اصلی اثر معروف پیرنیا را با عنوان «تاریخ ایران باستان» تشکیل داد.

تاریخ مفصل ایران و تاریخ عمومی برای سال چهارم دبیرستان‌ها - این اثر با نقشه، نمودار و تصاویر تاریخی در سال ۱۳۱۸ ش. به چاپ رسید و تألیف مشترک «نصرالله فلسفی» و «علی‌اصغر شمیم» است. «فلسفی» در این زمان استاد دانشگاه تهران بود و «شمیم» در دبیرستان‌های تهران تدریس می‌کرد.

موضوعهای کتاب در دو بخش تنظیم شده‌اند. بخش اول به تاریخ ایران بعد از اسلام تا دوره اتابکان اختصاص دارد و بخش دوم به تاریخ اروپا از رنسانس تا انقلاب کبیر فرانسه می‌پردازد.

مطالب با نثری ساده و بدون حاشیه‌پردازی به رشته تحریر درآمده‌اند و با دیباچه‌ای پیرامون جایگاه تمدن ایرانی و تعریف از ویژگی‌های ایرانیان آغاز می‌شود. در مجموع نویسندگان کوشیده‌اند افزون بر شناخت رویدادهای تاریخی به تقویت روحیه میهن‌پرستی در دانش‌آموزان بپردازند.

تاریخ ایران مظفری - امیرعلی قویم این اثر را برای

درباره مفاهیم «وطن» و «ایران» و «حدود ایران» آغاز شده و پس از نقل اسطوره‌ها و شرح احوال ایرانیان باستان، تا انقراض قاجارها ادامه می‌یابد.

دوره تاریخ عمومی؛ شامل تاریخ ایران (سه سلسله سلوکی و اشکانی و ساسانی) و عرب و روم «عباس اقبال آشتیانی» از برجسته‌ترین نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ است که نخستین کتاب درسی خود را در سال ۱۳۴۰ ق. / ۱۳۰۰ ش. با عنوان «دوره تاریخ عمومی (برای سال اول متوسطه) شامل تاریخ ملل قدیمه مشرق و یونان و مقدمات» تألیف نمود. اقبال از درازنویسی و نقل مطالب اضافی پرهیز می‌کرد و در مقایسه با سایر کتاب‌های دوره متوسطه، آثاری پاکیزه و بسامان تحریر کرده است. وی به فاصله کوتاهی پس از انتشار جلد اول «دوره تاریخ عمومی»، جلد دوم را برای استفاده شاگردان پایه دوم دبیرستان به دست چاپ سپرد. این کتاب به خط خوش نستعلیق زیور طبع یافت و مطالب آن در سه بخش دسته‌بندی شده‌اند: بخش اول به سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان اختصاص دارد و در قسمت دوم تاریخ اعراب قبل و بعد از اسلام و حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس شرح داده شده است. تمامی بخش سوم نیز به تاریخ روم باستان می‌پردازد.

ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان - حسن پیرنیا (مشیرالدوله) در اسفند ۱۳۰۶ کتابی با نام «ایران باستانی» تألیف کرده بود و در سال بعد هم کتاب «داستان‌های ایران قدیم» را به چاپ رساند. در همین سال‌ها پیرنیا به جمع اعضای کمیسیون معارف پیوست و کمیسیون از وی درخواست نمود خلاصه‌ای از کتاب «ایران باستانی» را برای تدریس در مدارس متوسطه در اختیار وزارت معارف قرار دهد. این اثر با عنوان «ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا

تاریخ بی‌همتاست و تا سال‌ها بعد نیز نظیرشان نوشته نشد.

«کتاب تاریخ اول دبیرستان» دو بخش دارد: بخش اول تاریخ ملل قدیم مشرق و بخش دوم تاریخ ایران باستان تا پایان اشکانیان را در بر می‌گیرد. خط خوش نستعلیق، نثر روان، آوانویسی واژه‌های دشوار، پرداختن به جغرافیای تاریخی، توضیح در مورد فرهنگ و تمدن، همراه ۹۳ تصویر و نقشه، چاپ خوب و کاغذ عالی از امتیازات این کتاب است.

کتاب تاریخ دوم دبیرستان - مطالب این اثر در

۳۴۷ صفحه و در دو بخش تنظیم شده‌اند. بخش اول از ابتدای ساسانیان آغاز شده، پس از شرح تاریخ اسلام و تمدن اسلامی تا پایان حکومت ایلخانان ادامه می‌یابد. بخش دوم نیز به تاریخ جهان و تحولات اروپا در قرون وسطا و جدید اختصاص دارد. تأکید بر هویت ایرانی در سراسر کتاب، به‌ویژه در قسمت تاریخ ایران بسیار مشهود است.

کتاب تاریخ سوم دبیرستان - قسمت اول کتاب با

زندگی تیمور شروع شده و تا رویدادهای دوره رضاشاه ادامه می‌یابد. قسمت دوم نیز به تاریخ عمومی جهان در دوره معاصر اختصاص یافته است و در مجموع مطالب در ۳۶۸ صفحه گردآوری شده‌اند. در پایان قسمت تاریخ ایران، مطالبی درباره رضاشاه آمده که سراسر تمجید از اقدامات اوست.

نشانه‌های هویت ایرانی در کتابهای درسی تاریخ

کتابهای درسی معرفی شده در یک مورد به هم شباهت دارند و آن تحسین هویت ایرانی و کوشش برای معرفی جنبه‌های نیکوی فرهنگ و تمدن ایرانی است؛ حتی در کتابهایی که از زبان‌های دیگر به فارسی برگردان شده‌اند، مترجمان تمایلات ملی‌شان را گنجانده

سال سوم و چهارم ابتدایی تألیف کرد. نام کتاب در صفحه عنوان «خلاصه تاریخ ایران» ذکر شده؛ ولی در روی جلد کتاب «تاریخ ایران مظفری» درج گردیده است. افزودن پسوند «مظفری» ربطی به مظفرالدین شاه ندارد و به نام ناشر (کتابخانه مظفریه) اشاره می‌کند.

نثر مورد استفاده در این اثر ساده بوده؛ ولی حاوی پاره‌ای اشتباهات دستوری است. موضوعات در ده فصل طبقه‌بندی شده‌اند و با نقشه‌ای از فلات ایران در صفحه آغازین شروع می‌شود.

دوره تاریخ

عمومی برای سال اول متوسطه - حسین فرهودی این اثر را بر اساس برنامه درسی وزارت معارف تألیف کرد و در مهر ۱۳۰۹ چاپ سوم آن منتشر شد؛ ولی در سال‌های بعد به طور مرتب توسط ناشران مختلف به چاپ رسید.

نثر اثر ساده بوده و تلاش شده به موارد اساسی موضوع پرداخته شود و مطالب با یک نظم منطقی ارائه گردند. مطالب کتاب در سه بخش تنظیم گردیده: بخش اول، تاریخ ملل قدیم مشرق، بخش دوم، تاریخ یونان باستان و در بخش سوم، تاریخ ایران را از ورود آریایی‌ها تا انقراض اشکانیان توضیح داده است.

کتاب تاریخ اول دبیرستان - در زمان تصدی

اسماعیل مرآت در وزارت فرهنگ (۱۳۱۷-۱۳۲۰) مجموعه‌ای از کتابهای درسی تاریخ فراهم شد که در نوع خود بی‌نظیر محسوب می‌گردد. برای تدوین این کتابها کمیسیون تخصصی از صاحب‌نظران تاریخ تشکیل گردید. کتاب تاریخ اول دبیرستان یکی از مجلدات مجموعه چهارگانه‌ای است که هرکدام برای تدریس در سال اول تا چهارم دبیرستان تهیه گردیده‌اند. این مجموعه در تاریخچه‌ی تألیف کتابهای درسی

و به کمک واژه‌ها، روح زمانه را در کالبد اثر خویش دیده‌اند. وحدت یک ملت مانند کاخی بلند است که بر پایه‌های خود پابرجاست، بر شالوده تاریخ مشترک آن مردم بنا شده و ضرورت استحکام این شالوده را نویسندگان کتاب‌های درسی به‌خوبی دریافته بودند.

کتاب‌های مورد بررسی در مرحله‌ای از حیات تاریخی ایران به رشته تحریر درآمده که مردم این سرزمین در حال پایه‌گذاری و تجربه تشکیل دولت ملی بودند. در این مرحله، ایرانیان بیش از همیشه به آشنایی با هویت تاریخی‌شان نیاز داشتند. در آثار یاد شده، مطالب فراوانی متناسب با سطح فراگیران در مورد هویت ایرانی وجود دارد که شرح جزئیات آن‌ها در این نوشتار امکان‌پذیر نیست. اینک به نقل عبارت‌های کوتاهی درباره هویت ایرانی بسنده می‌گردد.

کتاب « دوره مختصر تاریخ ایران » بدون مقدمه با توصیف هویت ایرانی چنین آغاز می‌گردد:

«مملکت ما ایران است و ما ایرانی هستیم. پدران ما هم ایرانی بوده‌اند. ایرانیان قوم خیلی قدیمی هستند؛ اما ایرانی‌های قدیم با ایرانی‌های حالا خیلی تفاوت داشتند. زبان ایرانی‌های قدیم طور دیگر بود؛ یعنی یک قسم فارسی حرف می‌زدند که حالا ما نمی‌فهمیم و خط آن‌ها را هم نمی‌توانیم بخوانیم. وضع زندگانی آن‌ها شکل دیگر بود و آداب و اخلاق دیگر داشتند. مسلمان هم نبودند؛ به جهت آن که دین اسلام هنوز نیامده بود. پدران قدیم ما زردشتی مذهب بودند؛ یعنی پیغمبرشان زردشت نام داشت. خداوند عالم را هورمزد می‌گفتند و معتقد بودند که هر کسی باید رفتار و گفتار و خیالات خود را خوب کند تا هورمزد از او راضی باشد و او را بعد از مرگ به بهشت ببرد...» (فروغی، ۱۳۲۷: ۶-۷).

در کنار عبارت‌های بالا تصویر یک سرباز پارسی شمشیر در دست، خط میخی، فروهر، و یک آتشکده را نقاشی کرده‌اند و تنها در صفحه اول که جمله‌هایش به‌زحمت چهار سطر می‌شود، نه بار واژه ایران تکرار شده است. شگفت آن که زمان نگارش کتاب محرم ۱۳۲۶ در آستانه به‌توپ بسته شدن مجلس و بحرانی‌ترین لحظات جامعه ایرانی است. نویسنده نیز با در نظر گرفتن اهمیت این دوران تاریخی، موضوع مشروطه‌خواهان و موضع‌گیری‌های مخالفان را مورد نظر قرار داده، می‌نویسد:

«[مشروطه خواهان]...آبادی و ترقی و قوت دول خارجه را دیدند و دانستند که اگر دولت ایران منظم نشود، آباد نمی‌شود و ترقی نمی‌کند و روز به روز ضعیف خواهد شد و آخر دول همسایه بر ما مسلط خواهند گردید. آن اشخاص دانا و با غیرت می‌دانستند که وطن مثل مادر است و باید آن را دوست داشت و نباید گذاشت به‌دست مردمان اجنبی بیفتد و دلشان می‌سوخت از این که ایران - که بسیاری اوقات دولت معتبری بوده و مدت سه هزار سال با وجود مصیبت‌های زیاد که به سر او آمده، به استقلال مانده- عاقبت به‌وسیله استبداد از میان برود و جزو دول دیگر شود...» (همان، ۲۱۰-۲۰۹).

برای نفی استبداد تنها براندازی آن کافی نیست؛ بلکه مردم باید بدانند که چگونه حکومتی را برگزینند تا مملکت روی آرامش ببیند. نویسنده به همین دلیل در کنار برشمردن معایب و سیاه‌کاری‌های پادشاهان قاجار (با این که هنوز بر سریر قدرت بودند و کمتر از دو ماه بعد هم مجلس را به‌توپ بستند) به نوجوانان می‌آموزد که دولت ملی چگونه مستقر می‌شود:

«... ما ایرانی‌ها باید بیشتر از پیشتر همت و اقدام ظاهر کنیم. بر اتفاق و اتحاد خود بیافزاییم... و

مشخصات کتاب‌های مورد بررسی، گنجاندن اطلاعات مناسب جغرافیایی - به ویژه جغرافیای ایران در اعصار گذشته - است. میرزا سیدعلی‌خان نیز که از دانش‌آموختگان مدرسه علوم سیاسی است، کتاب درسی خود را با این مقدمه شروع می‌کند:

«... برای تحصیل تاریخ قدری جغرافیا لازم است. [پس] این بنده لازم دانست که مختصری از جغرافیای قدیم و جدید ایران را بنویسد تا اطفال اول آن را بخوانند، بعد شروع به تاریخ بنمایند... حدود ایران قدیم از مشرق به رود سند و از طرف شمال به رود جیحون و دریای خزر... و از طرف جنوب به اقیانوس هند و خلیج فارس و از طرف مغرب به دریای اژه و مدیترانه محدود بوده ...» (میرزا حسین علی خان، ۱۳۲۷ق: مقدمه).

نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ می‌کوشیدند تا تصویر دلپذیری از جغرافیای ایران را در ذهن نوجوانان ترسیم کنند. «تاریخ ایران مظفری» با توضیح درباره مفاهیم «وطن» و «ایران» چنین آغاز می‌شود:

«وطن - سرزمینی است که انسان در آن زاییده شده و مرز و بوم نیاکانش باشد. بر همه کس لازم است که وطن خود را دوست داشته، در آبادی آن بکوشد. ایران - وطن عزیز ما کشور دلگشای ایران است! ایران در جنوب غربی آسیا واقع شده [و] از حیث موقعیت ژئوگرافیایی و اعتدال هوا و فراوانی نعمت ممتاز است...» (قویم، ۱۳۰۷: ۳).

«تاریخ مقدماتی ایران» نیز مفهوم «وطن» را در قالب پرسش و پاسخ چنین توضیح داده است:

«ج - هر خاکی که شخص در آن جا تولد شده و زندگانی کرده است، آن‌جا را وطن گویند؛ مثلاً وطن ما ایران است؛ به جهت آن که در این خاک تولد شده و زندگانی می‌نماییم.

مخصوصاً این نکته را در نظر داشته باشیم که دولت مشروطه؛ یعنی دولتی که امور آن را عموم ملت اداره کند. پس مردمی که بخواهند دولتشان مشروطه باشد؛ یعنی آزاد باشد و بندگی نکنند، باید خود را قابل اداره کردن امور خویش بنمایند و این ممکن نمی‌شود، مگر به علم و حسن اخلاق! به عبارت اخری، تربیت لازم است تا مشروطیت برقرار بماند...» (همان: ۲۵۳ و ۲۵۵).

«تاریخ مختصر ایران» سرمشق بسیاری از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ قرار گرفت و آنان حتی در عنوان آثارشان نیز از فروغی پیروی کردند. برای مثال، «مترجم السلطنه زرین‌قلم» کتاب «تاریخ مختصر ایران (اقبال)» را تنها با افزودن نام ناشر منتشر ساخت. مقدمه این اثر با تفاوت‌هایی اندک با اثر فروغی، چنین آغاز می‌شود:

«مملکت و وطن ما ایران است و ما ایرانیان باید آن را مثل جان خود عزیز و دوست بداریم. ایران یکی از معتبرترین ممالک قدیمه مشرق است؛ اما ایرانی‌های قدیم با ایرانی‌های حالا از حیث زبان و مذهب و خط و اخلاق و وضع زندگانی به کلی تفاوت داشتند...» (مترجم السلطنه زرین قلم، ۱۳۴۷ق: ۲).

مترجم السلطنه سپس با اشاره به چگونگی زبان و خط و اعتقادات مذهبی ایرانیان باستان، صفات نیکوی آنان را در نتیجه پیروی از آیین زرتشت دانسته، می‌افزاید:

«به واسطه همین عقیده، اجداد باستانی ما همواره از کارهای بد [و] زشت - مخصوصاً از دروغ گفتن - دوری و حذر می‌کردند و صداقت و راستی را مبنای سعادت و شرافت زندگانی خود می‌دانستند...» (همان، ۳).

هویت ملی هر ملتی زاینده محیط جغرافیایی آنان بوده و فلات ایران گاهواره تمدن ایرانی است. یکی از

تمام مردم میهن‌دوست این کشور را به اطاعت خود در آورند(فلسفی، ۱۳۱۸: ۱).

هویت ایرانی در دوره قاجار بیش از همیشه مورد تهدید فرهنگ‌های بیگانه قرار داشت. برتری نظامی و علوم و فنون اروپایی نوعی سرگشتگی را در جامعه ایران موجب می‌گردید. از آن‌جا که هویت به واسطه از راه دیگران معنا می‌یابد، هرگاه هویت ملی در مقایسه با دیگران ضعیف جلوه نماید، دو خطر همزمان آن را تهدید می‌کند: انزوا طلبی و بیگانه ستیزی مطلق از یک طرف و درغلتیدن به آغوش فرهنگ غیر خودی از سوی دیگر؛ بنابراین، نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ درصدد بودند، ضمن آموزش روحیه استقلال طلبی و حفظ سرزمین مادری، برخورد صحیح با فرهنگ و تمدن دنیای پیشرفته را به نوجوانان بیاموزند. دوره دوم کتاب تاریخ ایران در بحبوحه جنگ جهانی اول انتشار یافت و نویسنده با اشاره به این که هم اکنون دولت‌های متخاصم در همسایگی ایران قرار دارند، حساسیت موقعیت ایران را چنین شرح می‌دهد: «...کسانی که در مطالب این کتاب دیده و فهمیده‌اند که از دیرگاهی نظر اهل دنیا به دولت ایران بوده و اراده‌ی اهل این مملکت در امور عالم دخل و تصرفی کلی داشته؛ اما انقلاب زمان، این وضع را تغییر داده و زمام اختیار کوهی زمین را عجالتاً در کف اروپا نهاده. اگر خوب است اگر بد؛ این طور است! بستن چشم و گوش و انکار و ایراد ثمر ندارد و پول و زور و علم دارند و هر چه می‌خواهند، می‌کنند. بعد از این سایر اقوام و ملل منتها کاری که بتوانند بکنند - و ملتی که بخواهد در عالم فرنگی‌ها مستهلک نشود و از میان نرود و اسم و رسم او باقی بماند- باید کمال عجله را در قبول تمدن وقت بنماید...»(فروغی، ۱۳۳۳: ۳۳۸).

س- تکلیف هر ایرانی خوب کدام است؟

ج- تکلیف هر ایرانی خوب آن است که تحصیل علم کند و تاریخ و جغرافی وطن خودش را خوب بداند و پیرو مطیع قانون باشد.

س- ایران در قدیم بیشتر وسعت داشته یا امروز؟

ج- ایران در قدیم خیلی بزرگتر و تقریباً وسعت آن چهار برابر ایران حالیه بوده است (محمدحسین‌بن محمدکریم، ۱۳۲۷ق: ۳-۴).

تصویر جغرافیای تاریخی ایران در بیشتر کتاب‌های درسی تاریخ این دوره سرزمینی آباد را نشان می‌دهد که در همسایگی اقوام بیابان نشین و دور از تمدن قرار داشته است. این موقعیت سبب گردیده که ایرانیان پیوسته برای حفظ استقلال‌شان مبارزه کنند. نویسندگان «تاریخ مفصل ایران و تاریخ عمومی برای سال چهارم دبیرستان» این موضوع را چنین شرح داده‌اند:

«کشور عزیز ما ایران به سبب همسایه بودن با اقوام و قبایل بیابان‌نشین دور از تمدن، مانند قبایل تازی در مغرب و اقوام تاتار در مشرق، مکرر عرصه تاخت و تاز ایشان گردیده و زیان‌های مادی و معنوی فراوان دیده است؛ ولی چنان که تاریخ این کشور گواهی می‌دهد، هرگز این گونه تاخت و تازها نتوانسته است ارکان تمدن و استقلال و ملیت ایران را سست کند و روح آزاد منشی ایرانی را به بندگی و اطاعت بیگانه مأنوس سازد.

در حمله عرب به ایران، گرچه سبب انقراض دولت شاهنشاهی ساسانی و کشته شدن یزدگرد سوم آخرین پادشاه این سلسله، عملیات منظم دولتی و نظامی بر ضد مهاجمین متروک شد؛ ولی مقاومت‌های محلی ایرانیان در نقاط مختلف کشور دوام یافت و با آن که تازیان پس از لشکرکشی‌های متمادی به نواحی دور دست ایران نیز دست یافتند، باز نتوانستند به آسانی

بیدار می‌ساخت. حسن پیرنیا یکی دیگر از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ در این زمینه می‌نویسد: «این اخلاق که بر اصل اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک بنا شده بود، در عالم قدیم تازگی داشته و وقتی آریان‌های ایرانی به آسیای غربی آمده، دولت‌های بزرگی تشکیل نمودند، یک نوع انقلاب اخلاقی را باعث شده‌اند؛ چه اخلاق آنان برتری داشت بر اخلاق مللی که قبل از آن‌ها... حکومت کرده بودند. از این جهت است که محققین ... ایران قدیم را در تاریخ نشو و نمای تمدن بشری عاملی دانسته‌اند که دارای اهمیت واقعی بوده...» (پیرنیا، ۱۳۰۸: ۲۶۶).

پیرنیا نقش ایرانیان در گسترش فرهنگ و تمدن جهانی را در چندین صفحه به صورت گسترده توضیح داده و سپس فهرست‌وار چنین جمع‌بندی کرده است: «...کارهایی که آریان‌های ایرانی انجام داده و چیزهای تازه که در عالم قدیم داخل کرده‌اند و بعد میراث بشر شده و نفوذ در تمدن‌های سایر اقوام و ملل در زمان‌های مختلف یافته، از این قرار است:

اول- تشکیل دولت بزرگی که تا آن روز در تاریخ نظیر نداشته؛ چه از حیث بسط و چه از حیث تشکیلات.

دوم- ادخال معتقداتی پاکتر و اخلاقی عالی‌تر در آسیای غربی و شرق نزدیک نسبت به آنچه قبل از آن‌ها اکثر ملل قدیمه داشته‌اند...

سوم- طرز سلوک با ملل تابعه و اداره کردن آن‌ها موافق اصولی که باعث نزدیکی ملل و اقوام به همدیگر گردیده و زمینه اختلاط و آمیزش آن‌ها را با یکدیگر مهیا نموده.

این طرز حکومت برای مللی که بعد از آریان‌های ایرانی آمدند، سرمشق مملکت‌داری شد و بعد به مرور تکمیل گردید تا به پایه کنونی رسید.

عباس اقبال نیز ضرورت دستیابی به دانش روز و رسیدن ایرانیان به قافله تمدن را باور دارد و می‌پندارد که ایرانیان همواره با مقوله دانش و فرهنگ به‌گونه‌ای پویا و باز عمل کرده‌اند. به همین دلیل، پس از درج مطالبی پیرامون عظمت و درخشش تمدن و فرهنگ ایران باستان، فرهنگ‌پذیری ایرانیان در زمینه دانش و هنر را چنین برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد:

«پادشاهان ساسانی... به کار ترجمه علوم و حکمت از السنه غیر پهلوی دست‌زده و معارف خارج را به ایران انتقال داده‌اند؛ چنان‌که شاپور اول به جمع کتب فلسفه یونانی و ترجمه آن‌ها توجه کرده و اردشیر و شاپور دوم نیز به همین نوع رفتار نموده‌اند... طب و حکمت عصر ساسانی مخلوطی بوده است از طب و حکمت یونانی و هندی با اضافاتی که از طبع خود ایرانی‌ها نتیجه می‌شد.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۱ق/۱۳۰۱ ش: ۱۰۳-۱۰۴).

فروغی نیز در یکی از آثارش از تمدن ایرانی چنین تعریف می‌کند:

«می‌دانید که امروز مردم روی زمین بعضی وحشی و اکثر متمدن می‌باشند؛ ولیکن در قدیم‌الایام همه وحشی بوده‌اند و کم‌کم متمدن شده‌اند. بعضی از اقوام و ملل زودتر از دیگران متمدن شده‌اند و جدیده هستند. ما ایرانیان از ملل قدیمه هستیم؛ زیرا که بیش از سه هزار سال است که با تمدن زندگی می‌کنیم و دو هزار و پانصد سال است که سلطنت و دولت معتبری تشکیل داده‌ایم.» (فروغی، ۱۳۴۱ق/۱۳۰۱ش: ۲).

تأکید بر سجایای اخلاقی ایرانیان و عناصر فرهنگ ایرانی افزون بر نهادهای کردن این ویژگی‌ها در نوجوانان، آنان را با اخلاق نیکوی نیاکانشان آشنا می‌کرد و از این راه عشق به هویت ایرانی را در دلشان

زمان به خون یکدیگر تشنه بودند، با یکدیگر معاشر و محشور کردند.» (همان: ۱۱۹-۱۲۰).

در نگاه بسیاری از نویسندگان کتاب‌های درسی، آشنایی با تاریخ زمینه پایداری ملی و ایجاد همبستگی را فراهم می‌آورد و دست‌مایه‌ای برای مقابله با حوادث ناگوار بود. در یکی از قدیمترین آثار درسی، ضرورت خواندن تاریخ چنین توصیف شده است:

«هر قوم و ملتی که تاریخ اسلاف و نیاکان خویش و سبب ترقی و تنزل آن‌ها را نداند، مانند طفلی است که پدر خود را نشناسد... و هر قوم که تاریخ اسلاف خود را در دست نداشته باشد، ممکن است به یک حادثه جزئی - چون اسناد و قباله‌های قومیت و ملیت آن در دست نیست - محو و نابود گردد» (میرزا حسین خان، ۱۳۲۷: ۳-۲).

کتاب **تاریخ عمومی عالم** نیز با مقدمه‌ای در تعریف و فواید تاریخ این‌گونه آغاز می‌شود:

«...تاریخ نشان می‌دهد که چگونه اجداد ما در راه حفظ میهن و خدمت به هم میهنان خود کوشیده‌اند... و به ما می‌آموزد که ما نیز در راه حفظ استقلال میهن عزیز خویش از هیچ‌گونه فداکاری خودداری نکنیم و برای افتخار و سربلندی کشور ایران و رسیدن به ترقیات عالی‌تری دست به دست یکدیگر داده، آثار درخشانی از خود به یادگار گذاریم» (اخوی، ۱۳۱۶: ۳).

در ۲۷ مهر ۱۳۱۷ اسماعیل مرآت وزیر فرهنگ برای یکسان‌سازی و اصلاح کتاب‌های درسی تصویب‌نامه‌ای را از هیأت وزیران گذراند که تأکید می‌کرد: همه کتاب‌های دبیرستانی افزون بر مواد علمی و ادبی باید «مؤید خصال ملی و ملکات راسخه‌یی باشد که از عهد باستان سرشته‌ی نهاد ایرانیان بوده» است. به همین منظور عبدالحسین شیبانی، رشید یاسمی، رضا زاده شفق، نصرالله فلسفی و حسین فرهودی که همگی

چهارم - تصرفات در صنایع قدیمه به اندازه‌ای که آن را ظریف‌تر و زیبا نمود...» (همان: ۲۸۳-۲۸۴).

حسین فرهودی چندین کتاب درسی را ترجمه و تألیف نمود و برای سال‌ها عضو کمیسیون تدوین کتاب‌های درسی در وزارت فرهنگ بود. وی نیز در کتاب «**دوره تاریخ عمومی**» بر نقش تکوینی و تکمیلی ایرانیان در تمدن‌های باستان چنین تأکید می‌ورزد:

« ایرانیان قدیم در بدو تأسیس دولت، صنایع ساده‌ای از خود داشته‌اند که آثاری از آن‌ها در دست نیست؛ اما چون قبل از هر کار به جنگ و فتوحات پرداختند و ممالک متمدنه قدیم [مانند] کلد و آشور، فنیقیه و مصر و بلاد یونان را تسخیر کردند، به صنایع ملل مزبور برخورده و به فکر انشاء صنعتی از خود افتادند و از ترکیب صنایع مختلفه مزبوره، صنعت مخصوصی که خاصه ایران قدیم است، ترتیب دادند... که همگی آن‌ها دلالت بر مهارت و استادی صنعتگران ایرانی است، دارد» (فرهودی، ۱۳۰۹: ۱۱۶).

نویسنده آن قدر منصف هست تا دانش و هنر دنیای باستان را یکسره به نفع ایرانیان مصادره ننماید. وی باور دارد که هویت تاریخی ایرانیان با پاسداری از دستاوردهای تمدنی سرشته شده و از این جهت، سهم والایی در پابرجایی تمدن بشری داشته‌اند. فرهودی درباره اهمیت سلسله هخامنشی می‌نویسد:

«... گرچه بر حسب ظاهر، ایرانی‌ها در علوم و تمدن عصر قدیم و صنایع انشاء تمدنی از خود نکرده و فقط بر ترکیب و تکمیل تمدن‌های مأخوذه پرداخته‌اند؛ ولی باید دانست که پادشاهان هخامنشی در حکومت دویست ساله خود، تمام ملل مشرق را - که قبل از ظهور هخامنشی به جنگ و جدال و قتل و غارت با یکدیگر می‌پرداختند - مطیع یک مرکز نموده و امنیت کاملی برقرار کردند و ملل شرقی را که تا آن

پادشاهای بزرگ می‌دادند. از گرفتن رشوه و دزدی خودداری می‌کردند و از شکم‌پرستی و پرخوری پرهیز می‌نمودند...» (همان: ۵۴ و ۵۵).

در پایان کتاب هم دانش‌آموزان به خواندن **شاهنامه** تشویق شده‌اند. تأکید نویسندگان بر خواندن **شاهنامه** توسط نسل جوان به سبب نقشی است که برای باززنده سازی «هویت ایرانی» دارد. در کتاب تاریخ سال اول دبیرستان آمده است:

«قدیمی‌ترین کتاب‌های ایرانی متعلق به اواخر ساسانیان است و از آن نوشته‌ها پیداست که ایرانیان تاریخ کشور خود را فراموش کرده بودند... و از دوره پیش از اسکندر و دارا داستان‌هایی را حکایت می‌کردند... این داستان‌ها را فردوسی ... به نظم درآورده است. **شاهنامه** فردوسی را همه ایرانیان باید بخوانند... **شاهنامه** داستان‌های بسیار شیرین دارد که باید دانست؛ اما برای شما نقل نمی‌کنیم. چون باید اصل آن‌ها را بخوانید» (همان: ۸۲).

کتاب تاریخ سال دوم دبیرستان از همین مجموعه با تاریخ ساسانیان آغاز می‌شود و فرهنگ و تمدن ساسانی را این‌گونه معرفی می‌کند:

«ایرانیان در عهد ساسانی از نعمت امنیت داخلی برخوردار و از افتخار فتوحات خارجی بهره‌مند بودند. از این جهت در پناه امنیت علوم و صنایع خود را ترقی دادند و به سبب فتح و غلبه بر دشمنان بزرگ بیگانه، حس شجاعت و مناعت و سایر اخلاق حسنه که نتیجه نیرومندی و توانایی است، در وجود آنان قوت گرفت» (همان: ۵۵).

جای جای کتاب آکنده از مطالبی پرشور و حماسی است. در مواردی هم مطالب با لحنی نامساعد و آمیخته به نیش و طعنه در حق اعراب به کار رفته که البته شایسته بیان مورخ و درج در کتاب درسی نیست.

از استادان دانشگاه تهران و یا دبیرانی بودند که پیشینه تألیف و تدریس داشتند، انتخاب شدند تا کتاب‌هایی را برای درس تاریخ تدوین نمایند. آنان به زودی سه جلد کتاب برای دبیرستان تهیه کردند (کتاب سال چهارم توسط عباس اقبال نوشته شد). این کتاب‌ها که دو جلد نخستین آن به خط نفیس نستعلیق تحریر شده و با چاپ عالی منتشر گردیده‌اند، نقطه عطفی در تاریخ‌نویسی درسی به شمار می‌آیند.

در کتاب تاریخ سال اول دبیرستان، تمدن ایران در زمان هخامنشیان چنین ترسیم گردیده است:

«شاهنشاهان هخامنشی به دادگستری و احقاق حق دلبستگی بسیار داشتند. در هر یک از ولایات ایران دادرسانی برای رسیدگی به دعاوی مردم تعیین می‌شدند... بنیان سیاست دولت هخامنشی بر اساس داد و راستی و حق پرستی بود. داریوش بزرگ خود در کتیبه بیستون می‌گوید: اهورامزدا و ایزدان دیگر از آن جهت مرا یاری کردند که من و دودمانم بددل و دروغگوی و بی انصاف نبودیم...» (شیبانی، ۱۳۱۸: ۴۶ و ۴۷).

در جای دیگری از کتاب به نقل از هرودوت آداب و اخلاق ایرانیان چنین توصیف شده است:

«ایرانیان به فرزندان خود از پنج سالگی سه چیز می‌آموختند: سواری، تیراندازی و راستگویی، همین مورخ می‌گوید، ایرانیان دروغگویی را بدترین عیب می‌دانند و حتی از وام خواستن هم خودداری می‌کنند؛ چه، کسی که وامدار باشد، ممکن است مجبور به دروغ گفتن شود... ایرانیان قدیم جوانان را از کودکی به ورزش و دویدن و تحمل سرما و گرما و به کار بردن اسلحه گوناگون و سواری و ازابهرانی عادت می‌دادند و بزرگترین صفت ایشان دلیری و مردانگی و شجاعت بود. ایرانیان همسایگان خود را محترم می‌داشتند. به کسانی که در راه حفظ کشور خدماتی کرده بودند،

برای مثال، نقش ایرانیان در براندازی حکومت اموی چنین ترسیم شده است:

« بدرفتاری بنی‌امیه نسبت به بنی‌هاشم موجب رنجش مسلمانان شده بود و ایرانیان هم که پیوسته فرصت می‌جستند که از زیر بار تسلط عرب بیرون روند، از این رنجش و بیزاری عمومی استفاده کرده، در خراسان و ماوراءالنهر (ترکستان) شورشهایی نمودند. بنی‌امیه اساساً نسبت به مسلمانانی که از قوم عرب نبودند، اهانت و خواری بسیار روا می‌داشتند ... بعد از آن که سیلاب هجوم عرب فرو نشست، اقوام مغلوب نظر به سوابق درخشان تاریخی و مجد و شکوه پیشین خود، دعوی برتری بر عرب کردند... از این میان، ایرانیان که عظمت سلطنت ساسانی را در نظر داشتند، بهانه می‌جستند که قدرت عرب را ضعیف کنند و... وقتی که بنی‌امیه بنی‌هاشم را آزار کردند، ایرانیان به یاری اینان قیام نمودند (همان: ۵۵).

جایگاه صفاریان در کسب استقلال ایرانیان نیز چنین توصیف شده است:

«این سلسله از لحاظ ظهور ملیت ایران اهمیتی به‌سزا دارد. یعقوب گذشته از این که حکومت عرب را در ولایاتی که گرفته بود از بین برد، فارسی، یعنی زبان ملی ما را هم رونق داد. تا آن زمان خطبه را به عربی می‌خواندند. او امر کرد محمدبن وصیف که شاعر درباری بود، خطبه به فارسی ترجمه کند و این خود شروع رسمیت یافتن زبان فارسی بود و ظاهر این است که ایرانیان از آن زمان بنای شعر گفتن به فارسی گذاشتند... به‌طور کلی، ایرانیان در این دوره بار دیگر حیات ملی خود را آغاز کردند و به زنده کردن تاریخ و رسوم کشور خود برخاستند و شاعران و نویسندگان سخن فارسی را از نو زبان علم و ادب قرار دادند و دانشمندان به ترویج علوم پرداختند.» (همان: ۱۲۷).

و در مورد خدمات سامانیان به استقلال ایران نیز آمده است:

«سامانیان نخستین خاندان بزرگ ایرانی بودند که پس از استیلای عرب برخاسته و از نو میهن ما را به آیین ایرانی آراستند و ... برای رهانیدن ایران از بند تسلط اعراب کوشش بسیار نمودند... از خدمت‌های بزرگ سامانیان نسبت به میهن، این که در ضمن احیای ملیت ایرانی، به زنده کردن تاریخ ایران هم همت گماشتند و گذشته از تهیه تاریخ منشور، فرمان دادند تا داستان دیرین میهن، ما به نظم هم سروده شود. با این ترتیب، در واقع نخستین طرح شاهنامه را شاهان سامانی ریختند؛ منتهی تکمیل آن به زمان محمود غزنوی رسید. پس می بینیم که هزار سال پیش که قسمت بزرگ جهان در تاریکی و نادانی به سر می برد، ایران مرکز علم و جایگاه دانشمندان و سرزمین هنر بوده و شاهان سامانی به دست وزیران لایق از طرفی به نشر علم و ادب و ترویج ادبیات فارسی و زنده کردن تاریخ ایران کوشیده و از طرفی نیز به فرونشاندن شورشگران و رفع نفاق و ستیزگی و ایجاد وحدت ملی همت ورزیده‌اند» (همان: ۱۳۹ و ۱۴۰).

در کتاب تاریخ سوم دبیرستان از همین مجموعه نیز هویت ایرانی بسیار پر رنگ مورد توجه قرار گرفته است. در این اثر ظهور صفویه با قیام زردشت مقایسه شده و چون برخی ظهور زردشت را از آذربایجان دانسته‌اند و صفویان هم در قرن دهم هجری در این استان جنبش خود را آغاز کردند، نویسندگان این خاندان را سلسله‌ای معرفی کرده‌اند که «میهن ما را بار دیگر به اوج عظمت رسانید». در این کتاب نقش صفویان برای تأمین وحدت کشور چنین توصیف شده است:

«پیش از صفویان بدبختانه رشته اتحاد و یگانگی

«هویت ایرانی» کوشیده‌اند و سهم مهمی در آموزش فرزندان ایران داشته‌اند؛ لیکن نکته‌ای که نمی‌توان از نظر دور داشت، تأثیرات ژرف اوضاع و احوال سیاسی در محتوای این کتاب‌هاست. «فروغی» دولتمردی حرفه‌ای بود که بارها وزیر، نخست‌وزیر یا دارای سایر مناصب مهم دولتی بوده و «پیرنیا» در تدوین قانون اساسی مشروطه نقش داشت. سایرین نیز هرکدام به‌نوعی در دیوان‌سالاری آن سال‌ها نقش‌آفرینی کرده‌اند؛ به همین جهت گاهی مطالب کتاب‌های تاریخ از اهداف عالی آموزش دور و به منشورهای سیاسی و بیانیه‌های رسمی نزدیک شده‌اند.

میان کاربردی بودن تاریخ و بهره‌برداری تبلیغی از آن، تفاوت عمیقی وجود دارد. تاریخ‌نویسی درسی به این معناست که تاریخ در حیات روزمره ما از طریق آموزش نوجوانان و افراد نقش داشته باشد. آموزش درست و علمی این دانش از فروغلتیدن جامعه در بحران هویت تاریخی پیش‌گیری می‌کند و نسیان تاریخی زمینه را برای چیرگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیگانگان فراهم می‌آورد. تاریخ‌نویسی سیاسی و تبلیغاتی تاریخ مصرف دارد و شایسته نیست به نظام تعلیم و تربیت ملی - که پایاست و اثرات آن در نسل‌های آینده استمرار می‌یابد - تحمیل شود.

نکته دیگری که در محتوای آموزشی این دوره به چشم می‌خورد، «آریایی‌گرایی» آشکاری است که در مقیاسی فراگیر تبلیغ می‌شود. باید میان رویکرد به تاریخ ایران باستان و نژادگرایی آریایی تفاوت قایل شد. «هویت ایرانی» با ورود آریایی‌ها به ایران آغاز نمی‌شود؛ بلکه این هویت در بستر فرهنگ پیش از خود بالیده و از سرچشمه‌های تمدن‌های گذشته سیراب گشته است. سرزمینی که آریایی‌ها در آن گام نهادند، محل رویش تمدن‌های بسیار کهن‌سالی است که بی‌دریغ داشته‌های

ملت ما که در اساس وجود داشته، از هم گسیخته بود. ما ایرانیان به‌طور کلی منسوب به یک ملت و یک نژاد بوده‌ایم و تمام ساکنین این خاک ... دارای دین و عادات و رسوم و اخلاق مشترک بوده و جملگی خود را ایرانی می‌دانسته‌اند و علاقه قلبی به قدرت و ترقی میهن و سرافرازی ملت ایران داشته‌اند؛ ولی گاهی حوادث بد مانند بروز جنگ‌ها و ظهور بعضی سرکشان نادان خونخوار و نادانی مردم، موجبات ستیز و نفاق فراهم آورده و شیرازه زندگی و رشته یگانگی این ملت را از هم پاشیده است. یکی از دوره‌های نفاق و دشمنی دوره فترت بین دولت تیموری و صفوی بود... در چنین موقع باریکی دولت صفوی ظهور کرد و... ایران یک بار دیگر وحدت ملی خود را به دست آورد» (همو، ۱۳۱۹: ۶۲).

در قسمت‌هایی که نقل شد، چهار عامل اصلی هویت ملی (زبان، ملیت، جغرافیا و تاریخ) مورد تأکید قرار گرفته‌اند. «زبان فارسی» در ادبیات کتاب‌های درسی تاریخ جلوه‌ای کم‌نظیر یافت. نشر روان و واژه‌های فارسی سره که خط خوش نستعلیق بر زیبایی آن می‌افزود، از مشخصات بیشتر این کتاب‌هاست. «نژاد ایرانی» قومی معرفی شده‌اند که پیوسته بر اصول اخلاقی پای فشرده‌اند و نمونه والای دلیری، هنرپروری، پاکدامنی و پایداری تصویر شده‌اند. قلمرو پهناوری که فرهنگ ایرانی در آن شکل گرفته (فلات ایران) «ایران زمین» معرفی شده و مرزهای سیاسی کنونی ایران نیز به‌عنوان مادر وطن یاد شده است که باید با فداکاری از آن نگهداری کرد. «تاریخ تمدن ایران» هم به‌مثابه یکی از درخشانترین تمدن‌های بشری ترسیم گردیده که دارای استقلال فرهنگی و پیشینه‌ای شفاف بوده و پویایی‌اش هرگز قطع نشده است.

این بررسی نشان می‌دهد، بیشتر کتاب‌های درسی تاریخ این دوره برای انتقال مفاهیم «هویت تاریخی» و

ارزشمندشان را به تازه واردان آریایی عرضه کرده‌اند. قوم ایرانی با بهره‌گیری از میراث معنوی آنان و در پرتو سلحشوری خویش، هنر و اندیشه‌اش را جهانگیر ساخت. خلاصه کردن هویت ایرانی در تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران، نادیده انگاشتن تمدن چند هزار ساله‌ای است که بخش‌هایی از آن بتازه‌گی سر از خاک برمی‌دارد و در سیمایی تازه جلوه می‌کند (مجید زاده، ۱۳۸۲: ۸-۱). برخی از محققان باستان‌گرایی تاریخی با رویکرد آریایی‌گرایی را بازتاب مکتب انگلوساکسون در تاریخ‌نگاری به حساب آورده و آن را به نقد کشیده‌اند (شهنبازی، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۱۶۹).

نکته آخر این که حجم محتوای آموزشی تاریخ در نظام تعلیم و تربیت سال‌های بعد از مشروطه بسیار قابل ملاحظه بوده و دانش‌آموزان با جزئیات بیشتری از تاریخ تمدن خود و ملل دیگر آشنا می‌شدند. مقایسه حجمی کتاب‌های درسی با دوره‌های بعد نشان می‌دهد که سهم درس تاریخ نسبت به گذشته کاستی گرفته است. برای مثال، آشنایی با تاریخ ایران و جهان در دوره متوسطه طی واپسین سال‌های دوره مورد بررسی برای چهار سال طراحی شده بود. همه‌ی رشته‌های دبیرستانی هم این درس را می‌گذراندند (چهار جلد کتاب با حجم ۱۳۹۱ صفحه) و پایه‌های پنجم و ششم ادبی دبیرستان نیز کتاب تاریخ جداگانه‌ای داشتند، در حالی که اکنون برای تمامی رشته‌ها (غیر از رشته ادبی) درس تاریخ معاصر ایران برای یک سال (یک جلد ۲۱۸ صفحه) و برای رشته ادبی دو سال (دو جلد ۵۴۰ صفحه) پیش‌بینی شده است. کاهش ساعات تدریس و حجم کتاب‌های درسی تاریخ ممکن است در میزان آشنایی نوجوانان با هویت تاریخی‌شان تأثیر نامطلوب بگذارد؛ بنابراین شایسته است کتاب‌های درسی تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران در دوره

طولانی‌تر و از زوایای مختلف مورد بررسی بیشتر قرار گیرد.

نتیجه

آموزش رسمی راهکار مناسبی برای آشنایی افراد با هویت تاریخی آنهاست و «هویت یابی» گامی حیاتی در زندگی نوجوانان است. داشتن هویت قومی یک نیاز اساسی انسانی است که در شرایط مساعد اجتماعی هویت ملی را قوام می‌بخشد.

نیل به «وحدت ملی» برای تشکیل دولت ملی ضرورتی بود که در گفتمان اصلاح آموزشی نیز مورد توجه قرار گرفت و بدین سبب «ایران‌خواهی» و افتخار به «هویت ایرانی» در کتاب‌های درسی جایگاهی یافت. نگارش کتاب‌های درسی تاریخ از ثمرات ارزنده تعلیم و تربیت نوین ایران به‌شمار می‌آید که در آستانه مشروطیت به بار نشست و با شروع آموزش رسمی رونق گرفت. دانش‌آموختگان ایرانی در پرتو تلاش نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ و فرهنگیان با عناصر اصلی هویت ایرانی (زبان، ملیت، جغرافیا و تاریخ) آشنا گردیدند و از طریق آموختن تاریخ تا اندازه‌ای روحیه همبستگی ملی در وجودشان دمیده شد.

کتاب‌های مورد بررسی اگرچه دارای ویژگی‌های درخور توجهی در انتقال مفاهیم هویت ایرانی هستند؛ لیکن پاره‌ای کاستی‌ها نیز دارند. تأکید فراوان بر «آریایی‌گرایی» که در بسیاری از کتاب‌های درسی تاریخ وجود دارد، از این جهت آسیب‌زاست که هویت ایرانی را از پیشینه چند هزار ساله‌اش جدا کرده و بخشی بزرگ از تاریخ و تمدن این سرزمین را در سایه قرار می‌دهد. نوشتن کتاب تاریخ درسی توسط سیاستمداران نیز اگر چه دارای مزایایی بود و با ذوق و نوآوری انجام گرفت؛ ولی پاره‌ای ملاحظات سیاسی را هم به درون

محتوای آموزشی کشاند که شایسته نظام تعلیم و تربیت نبود.

میزان ساعات تدریس و حجم محتوای آموزشی تاریخ در دوره مورد بررسی نیز نسبت به سال‌های بعد بیشتر بود که فرصت مناسب‌تری را برای درک بهتر هویت تاریخی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد.

منابع

۱- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۲). *یا مرگ یا تجدد: دفتری در شعر و ادب مشروطه*. تهران: اختران، چاپ اول.

۲- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی، چاپ سوم.

۳- اخوی، رضا. (۱۳۱۶). *تاریخ عمومی عالم؛ شامل ملل مشرق: مصر، کلد، آشور، فنیقیه، بنی اسرائیل و ملل مغرب، یونان، مقدونیه*. تهران: شرکت طبع کتاب (چاپ‌خانه آفتاب)، چاپ اول.

۴- اشپولر، برتولد (و دیگران). (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه و تألیف یعقوب آژند، تهران: گستره، چاپ اول.

۵- اقبال‌آشتیانی، عباس. (۱۳۴۱ق/۱۳۰۱ش). *دوره تاریخ عمومی برای سال دوم متوسطه شامل: تاریخ ایران (سه سلسله سلوکی و اشکانی و ساسانی و عرب و روم)*. تهران: کتابخانه کاوه، بی‌چاپ (سنگی).

۶- امیر احمدیان، بهرام. (۱۳۸۶). «هویت ایرانی، فرهنگ ایرانی (گفتگو با فریبا صادقی پور - قسمت اول)»، ویژه ماهنامه فرهنگی، هنری جام جم سپیده، تهران: ۳۱ خرداد ش ۱۵، ضمیمه ۲۰۲۸، صص ۸-۱۰.

۷- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله). (۱۳۰۸). *ایران قدیم یا تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان*، تهران:

مطبعة مجلس، بی‌چاپ.

۸- جلال‌الدین میرزا قاجار. (۱۸۶۷م/۱۲۸۴ق). *نامه خسروان؛ داستان پادشاهان پارس به زبان پارسی که سودمند مردمان به ویژه کودکان است*، بمبئی هندوستان: چاپخانه خان صاحب، کاتب میرزا محمد ملک الکتاب، بی‌چاپ (سنگی).

۹- دالکی، فیروزه. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*، تهران: پیک ادبیات، چاپ اول.

۱۰- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). *حیات یحیی [۴ جلد]*. به کوشش حمیده دولت‌آبادی، تهران: فردوسی و عطار، چاپ ششم.

۱۱- رایس، فیلیپ (۱۳۸۷). *رشد انسان؛ روان‌شناسی از تولد تا مرگ*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: ارجمند، چاپ دوم (ویراست چهارم).

۱۲- شهبازی، عبدالله. (۱۳۷۷). «نظریه توطئه؛ صعود سلطنت پهلوی و تاریخ‌نگاری جدید در ایران»، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

۱۳- شیبانی، عبدالحسین و رشید یاسمی، غلامرضا و رضازاده شفق، صادق و فرهودی، حسین و فلسفی، رضا. (۱۳۱۸ الف). *کتاب تاریخ سال اول دبیرستان*، تهران: وزارت فرهنگ - چاپ خانه بانک ملی، چاپ اول.

۱۴- _____ (۱۳۲۰ ب). *کتاب تاریخ سال دوم دبیرستان*. تهران: وزارت فرهنگ - چاپ خانه فردوسی، بی‌چاپ.

۱۵- _____ (۱۳۱۹ ج). *کتاب تاریخ سال سوم دبیرستان*. تهران: وزارت فرهنگ - چاپ خانه بانک ملی، چ اول.

۱۶- صفت‌گل، منصور. (۱۳۷۸). «تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی

- قاجاران»، تهران: دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۲، صص ۱۸۰-۱۵۳.
- ۱۷- فرهودی، حسین (۱۳۰۹). دوره تاریخ عمومی برای سال اول متوسطه، تهران: شرکت مطبوعات - مطبعه فرهومند، چاپ سوم.
- ۱۸- فروغی، محمدعلی (۱۳۲۳ق.). دوره ابتدایی از تاریخ عالم؛ جلد اول: تاریخ ایران، تهران: شرکت طبع کتب، کاتب محمدحسین فروغی، بی‌چاپ (سنگی).
- ۱۹- فروغی، محمدعلی (۱۳۲۷ق.). دوره مختصر تاریخ ایران؛ دارای تصاویر متعدده با هشت صفحه نقشه رنگین برای متعلمین مدارس ابتدایی و اتاق‌های اول مدارس علمی، تهران: چاپ دوم (همراه با اضافات)، (سنگی).
- ۲۰- _____ (۱۳۳۳ق.). دوره دوم تاریخ ایران. تهران: کتاب خانه علمی، چاپ چهارم (سنگی).
- ۲۱- _____ (۱۳۴۱ق./۱۳۰۱ش.). تاریخ مختصر ایران برای طبقات عالیّه مدارس ابتدایی، تهران: کتابخانه علمی و کتابخانه ایران، بی‌چاپ (سنگی).
- ۲۲- فلسفی، نصرالله و شمیم، علی‌اصغر (۱۳۱۸). تاریخ مفصل ایران و تاریخ عمومی؛ برای سال چهارم دبیرستان‌ها، تهران: شرکت چاپ کتاب، چاپ اول.
- ۲۳- قویم، امیرعلی (۱۳۰۷). تاریخ ایران مظفری (خلاصه تاریخ ایران برای سال سوم و چهارم دبستان‌های ملی)، تهران: کتابخانه مظفریه، بی‌چاپ (سنگی).
- ۲۴- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان، تهران: سازمان ملی جوانان، چاپ اول.
- ۲۵- مترجم السلطنه زرین قلم (۱۳۴۷ق.). تاریخ مختصر ایران (اقبال)؛ ضمیمه تاریخ عالم اقبال جهت سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی ایران، تهران: کتابخانه اقبال و کتاب‌خانه نهضت شرق، چاپ دوم.
- ۲۶- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، چ اول.
- ۲۷- محمدحسین‌بن‌محمدکریم [مترجم وزارت امور خارجه] (۱۳۲۷ق.). تاریخ مقدماتی ایران. تهران: مطبعه میرزا علی اصغر، کاتب قوام الکتاب، بی‌چاپ، (سنگی).
- ۲۸- میرزا آقا خان کرمانی (۱۳۱۴ق.). آیینة سکندری؛ تاریخ ایران، به اهتمام زین‌العابدین مترجم الملک، به‌تصحیح میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل)، تهران: بی‌نا، بی‌چاپ (سنگی).
- ۲۹- میرزا حسین‌خان (۱۳۲۷ق.). تاریخ ایران؛ از تکالیف سال دوم، تهران: کتاب‌خانه اقبال، چاپ دوم، (سنگی).
- ۳۰- میرزا سیدعلی‌خان (۱۳۲۸ق.). تاریخ مختصر ایران، تهران: چاپ‌خانه آقا محمد مهدی تاجر کتاب، چاپ اول (سنگی).
- ۳۱- نیک‌بین، نصرالله (۱۳۴۷). اظهار نظر درباره ارزش علمی تاریخ مشیرالدوله. تهران: دهخدا، چاپ اول.
- ۳۲- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). بحران‌های تاریخی هویت ایرانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.